

اما و اگرها درباره تصویب قطعنامه شورای حکام؛

تداعی تجربه تلخ دوران احمدی‌نژاد؛ کار ایران به شورای امنیت کشیده می‌شود؟

با تصویب سومین قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران از زمان اجرایی شدن برجام، سوال مهم این است که ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت تا چه حد جدی است؟ و آیا مکانیسم ماشه نیز فعال خواهد شد؟

به گزارش سایت خبری پرسون، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز گذشته پنجشنبه ۲۶ آبان ماه قطعنامه‌ای ضد ایرانی به تصویب رساند. این قطعنامه با ۲۶ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع به تصویب این شورای ۳۵ عضوی رسیده است. ۳۰ کشور به این قطعنامه رأی مثبت دادند، چین و روسیه با آن مخالفت کردند و کشورهای هند، پاکستان و لیبی نیز به آن رأی ممتنع دادند. این سومین قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران پس از اجرایی شدن برجام و بسته شدن پرونده مسائل ادعایی پادمانی است که با فشار رژیم صهیونیستی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صادر می‌شود. ۳۰ خرداد ۱۳۹۹ و ۱۸ خرداد ۱۴۰۱ هم قطعنامه مشابهی توسط سه کشور اروپایی عضو برجام و حمایت آمریکا پیشنهاد و تصویب شده بود.

در قطعنامه روز گذشته «ابراز نگرانی عمیق» شده که ایران در زمینه توضیح پیرامون منشاء ذرات اورانیوم یافت‌شده همکاری کافی نداشته است و از تهران خواسته شده که «بدون فوت وقت» با آژانس همکاری کند و در مورد مکان‌های موردنظر یعنی مریوان، تورقوزآباد و همچنین ورامین توضیح دهد. ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان نیز پیشنهاد قطعنامه ضد ایرانی از سوی آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را محکوم کرد و آن را غیرقابل قبول و مردود خوانده بود. سخنگوی وزارت امور خارجه هشدار داد که اگر قطعنامه ضد ایرانی در آژانس تصویب شود، پاسخ ایران قاطع و موثر خواهد بود.

در همین حال رئیس سازمان انرژی اتمی نیز دو روز مانده به تصویب این قطعنامه هشدارهایی داده بود و گفت: چنانچه پیش نویس قطعنامه مورد نظر آمریکا و سه کشور اروپایی تصویب شود معلوم نیست سفر هیئت آژانس به ایران نتیجه‌ای به دنبال داشته و مفید باشد.

در همین حال محسن نذیری اصل سفیر و نماینده دائم کشورمان در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، نیز اظهار کرد: شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست امروز خود تحت فشار شدید سیاسی کشورهای آمریکا، انگلیسی، فرانسه و آلمان قطعنامه‌ای علیه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای کشورمان به تصویب رساند و قویا معتقدیم این قطعنامه هیچ نتیجه‌ای برای بانیان آن به ویژه در زمینه ترمیم وجهه مخدوش شده آنها به عنوان ناقضان اصلی برجام و زمینه سازی برای توجیه تحریم‌های یکجانبه بیشتر علیه ملت ایران، نخواهد داشت.

پیش از تصویب بیانیه نیز رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: ایران چه با قطعنامه و چه بدون آن وظیفه دارد اطلاعاتی که به آن نیاز داریم را در اختیارمان بگذارد. وی مدعی شد که فعالیت‌های زیادی در ایران جریان دارد که آژانس از آن‌ها چیزی نمی‌داند.

آژانس در ورطه سیاسی کاری و رویکردهای دوگانه

طرح موضوعات مرتبط با پی‌ام دی (ابعاد احتمالی نظامی) در برنامه هسته‌ای ایران چیزی بود که در جریان مذاکرات رفع تحریم‌ها در زمستان گذشته به یکباره پررنگ شد و گروسی طی سفری در اسفندماه سال گذشته به منظور حل و فصل مسائل باقی مانده بین ایران و آژانس به تهران سفر کرد. اگرچه گروسی در آن برهه اظهار داشت که پرونده پادمانی ایران بر مبنای اطلاعات جاسوسی رژیم صهیونیستی شکل نگرفته اما سفر او به سرزمین‌های اشغالی در خردادماه امسال از حقایق دیگر پرده برداشت. از یک سو سفر به اسرائیل بزرگترین دارنده سلاح‌های اتمی که عضو ان.پی.تی نبوده و از سوی دیگر صحبت درباره فعالیت‌های هسته‌ای یک عضو آژانس با مقامات این رژیم که بی‌طرفی آژانس و مدیرکل را زیر سوال می‌برد. آن هم در شرایطی که مقامات این رژیم صراحتاً در سال ۲۰۱۸ اعلام کردند که اسنادی را از ایران سرقت کردند و چندین تهدید به حمله هسته‌ای از جانب این رژیم مطرح شد. ردپای لابی رژیم صهیونیستی تنها در این جریان‌ها نبود بلکه طی سفر انریکه مورا، نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات وین به تهران در اردیبهشت ماه و در راه بازگشت به بروکسل نیز مشاهده شد که برای مدت ۴۰ دقیقه بازداشت و تلفن همراه او نیز برای مدتی ضبط شد.

در آن سو سفیر ایالات متحده آمریکا در نشست شورای حکام نیز در حالی ایران را به بی‌اعتنایی به مسائل پادمانی متهم می‌کند که بیش از ۴ سال از خروج غیرمسئولانه واشنگتن از توافق هسته‌ای با ایران می‌گذرد. سیاسی کاری و رویکرد دوگانه آژانس و کشورهای غربی در حالی نمایان می‌شود که اساساً ایران مشکلی در راستای همکاری با آژانس و بازرسان نداشته و در برخی موارد به منظور رفع سوءتفاهم به طور داوطلبانه با آژانس همکاری کرده است. اما ایجاد یک خط موازی با برجام به اسم تعهدات پادمانی به منظور فشار هم از ناحیه برجام و هم موافقت‌نامه پادمان مورد غیرواقع بینانه‌ای است که پذیرش آن از سوی تهران امکان‌پذیر نیست. موضوع مهمی که در گفتگوهای رفع تحریم‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفت و طی آن جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد بسته شدن همزمان ادعاهای پادمانی را در گفتگوهای برجامی مطرح کرد اما در نهایت طرف مقابل با امتناع از آن فرصت پایان دادن به این مناقشه را از بین برد.

مکانیسم ماشه و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت

شاید تحولات داخلی اخیر ایران اتاق های فکر آمریکا و رژیم صهیونیستی را به این نتیجه رسانده که زمان موجود بهترین فرصت برای تحمیل خواسته ها به تهران است و امکان فشار از طریق فعال سازی مکانیسم ماشه و یا ارجاع پرونده ایران از شورای حکام به شورای امنیت وجود دارد. در موضوع اسنپ بک یا مکانیسم ماشه به لحاظ حقوقی مانعی بر سر راه اروپایی ها قرار ندارد و خبری از وتوی چین و روسیه هم نیست. حل اختلافات در برجام روندی پیچیده دارد و اگر اگر این چند کشور مانند فرانسه و انگلیس به شورای امنیت مراجعه و اعلام کنند که ایران برجام را به صورت فاحش نقض کرده است، درخواست می کنند که تمدید تعلیق تحریم ها متوقف شود. امکان رأی گیری و حق وتوی چین و روسیه نیز در کار نیست. بنابراین مکانیسم حل اختلاف آن نیز سیاسی است. به همین دلیل برای تعلیق تحریم ها رأی گیری انجام نخواهد شد. حال پرسشی که در این میان مطرح می شود این است که اگر در مکانیسم ماشه حق وتوی روسیه و چین وجود ندارد، چرا کشورهای اروپایی و آمریکا مستقیماً به دنبال اجرای آن نمی روند و چرا تلاش دارند از مسیر شورای حکام پرونده ایران را پیگیری کنند. پاسخ این سوال مشخص است، دولت کنونی ایالات متحده برخلاف دولت دونالد ترامپ رویکردی چندجانبه را در قبال ایران در پیش گرفته و می خواهد در هرگونه فرآیند اعمال فشار بر ایران، همراهی بین المللی نیز داشته باشد. در نتیجه اتفاقاتی که در شورای حکام رخ می دهد و نارضایتی هایی که از سوی مدیر کل آژانس و همچنین کشورهای عضو شورای حکام مطرح می شود، زمینه را برای شکایت بریتانیا و فرانسه علیه ایران در مکانیسم ماشه فراهم می کند.

به عبارت ساده تر وقتی شورای حکام تصمیم بگیرد پرونده ایران به شورای امنیت ارسال شود، این موضوع به شکایت احتمالی بریتانیا یا فرانسه علیه ایران رسمیت و مشروعیت بیشتری می بخشد و فضای لازم برای پیگیری موضوع در چارچوب مکانیسم ماشه فراهم می شود. در چنین شرایطی هر یک از این دو کشور بخواهند شکایت علیه ایران را گزارش کنند، می توانند در دلایل و مستندات خود به گزارش های مدیر کل آژانس و همچنین رای شورای حکام استناد کنند.

مسیر کنونی تا اندازه ای یادآور سال های ابتدایی و تلخ دولت محمود احمدی نژاد و ارسال پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل است. با این تفاوت که وضعیت جهان پس از جنگ اوکراین تغییر کرده و صف بندی های جدیدی شکل گرفته است. اهمیت منابع و ذخایر از جمله انرژی، نفت و گاز و غلات چندین برابر شده و هر گونه تنش غرب با ایران می تواند پیامدهای منفی مستقیم بر منطقه خاورمیانه بگذارد. ضمن اینکه کشورهای غربی نیز به خوبی می دانند که دست ایران نیز بسته نیست. رژیم صهیونیستی که آرزوی حرکت ایران به سمت تولید سلاح هسته ای و فشار به آمریکا برای حمله نظامی به ایران را داشت، آمریکا، ناتو و کشورهای اروپایی را در جنگ تمام عیار با روسیه و در اوکراین می بیند. مجموعه تحولات نشان می دهد که آمریکا به همراه متحدانش در مسیر تکراری پوچ و مخرب تقابل و افزایش تنش با ایران گام می بردارند؛ آن هم با وجود تجاربی که در سال های اخیر هم هزینه و فایده سیاست زور و تهدید و هم دیپلماسی و احترام متقابل را به خوبی نشان داد.